

سخنرانی پدر طالقانی در سنج

... که همه شما به حبل‌الله، ریسمان پایدار و تعالی بخش انسانی، یعنی اسلام اصیل، اسلام انقلابی، اسلام وحدت بخش و نعمت خدا را به یاد آریم که همه برادر بودیم، همه پیش از این با هم اختلاف و دشمنی داشتید. خطاب به مسلمانهای صدر اسلام است، مسلمانهایی که دوره جاهلیت و تاریکیهای دیجوری جاهلیت را پشت سر گذاردند و چشم به طلوع فجر اسلام گشودند. مسلمانانی که همه از هم می‌هراسیدند از شبیح و سایه یکدیگر می‌ترسیدند. در پرتو قرآن، در پرتو وحی محمدی (صلوات) همه چشم گشودند، با هم برادر و صمیمی شدند «واذکر و انعمت‌الله علیکم اذکنتم اعداء فالف بینکم»: خداوند قدرت الهی بود که شمایی که در دوره جاهلیت قبل از اسلام با هم چنین دشمن بودید خداوند در پرتو وحی و نبوت و هدایت قرآن بین دل‌های شما الفت آفرید و شما در آن دوره که همه در اثر جنگهای قبیله‌ای و خانگی و اختلافات مسلکی در لب گودال آتش بودید و در شرف سقوط بودید و خداوند به لطف و عنایت خودش شما را نجات داد. این آیه زنده، همیشگی، باید در گوش ما مسلمانها طنین انداز باشد. امروز هم چنین است، همیشه چنین است. در دوره شرک طاغوتی که همه ما از هم می‌هراسیدیم، همه از هم وحشت داشتیم. جرأت دم زدن نداشتیم، دردهای خودمان را در دل پنهان می‌کردیم و لب‌هایمان را از گفتن می‌بستیم. چنان اختلاف، چنان نفاق، چنان بدبینی از داخل خانواده تا محله و روستا و شهر، همه از هم هراسان و گریزان بودیم. از برکت اسلام و انقلاب عظیم اسلامی و درهم شکستن بتها و طاغوتها بحمدالله چشم گشودیم، همه با هم برادر و خواهریم.

این نعمتی که قرآن تذکر داده است، برای اینست که بالاترین نعمت حیات و زندگی است، محبت، پیوستگی، همفکری، همقدمی خوش بینی، نیک اندیشی نسبت به یکدیگر. که عکس این زندگی شرک و کفر و طاغوتی است. و همه آنهایی که دائماً نگران دسیسه‌های دشمن‌های ما هستند و همیشه مراقب کیدهای آن هستند از هر سو نگران کرد. مساله‌ای بود نه تنها موضعی و محلی، بلکه نگرانی بود از سرایت این آتشی که دست آتش افروزان می‌خواست شعله‌ور کند، نه تنها منطقه را به آتش بکشد، یک کشوری را به آتش بکشد، و این در میان این دود و

آتش و سوز و گداز، دشمن‌های قهار ما بتوانند دوباره سرزمین مقدس اسلامی و ایرانی ما را محل جولانگاه خود و غارت‌های ثروت و سرکوبی استعدادها و از میان بردن تفاهم‌ها بشوند.

همین نگرانی بود که ما را برانگیخت برای اینکه از نزدیک مسائل این منطقه و این شهر را بنگریم و بررسی کنیم. تا آنجا که قدرت داشتیم، فرصت داشتیم، توان داشتیم، روز و شب، ساعت‌های متوالی بررسی شد. علل و عوامل آن که بیشتر جنبه روحی و اخلاقی دارد و سپس جنبه‌های خناسی و شیطانی کشف گردید، و درصدد چاره برآمدیم. کشته‌های شما را شهیدان خودمان می‌دانیم. بیمارهایی که در بیمارستانها خفته‌اند و زخمی شده‌اند، جراحتهایی است که در پیکر عظیم اجتماع اسلامی وارد شده است و امیدواریم خداوند بودی آنها را شفا بدهد و به‌خانه و زندگیشان برگردند. (انشاءالله). زندانیهایی که نگران بودید و چه بسا همین زندانی‌ها وسیله تبلیغات و تحریکات بعضی مغرضین بودند - به‌همین زودی به‌خانه‌ها برمی‌گردند (انشاءالله). برای اینکه در شهر شما آرامش، تفاهم، برادری مستقر بشود، هیاتی باانتخاب و نظر گروههای مختلف، جمعیت‌های مختلف، چند نفری تعیین شده‌اند بعنوان شورای موقت که بیش از یک هفته مجال ندارند. پس از یک هفته واگذار می‌شود به‌آراء عمومی شما، زن و مرد ساکن همین شهر محترم بتوانند نمایندگان شورای شهری شما را تعیین کنند.

این شورا وظیفه دارد که امنیت را در این منطقه حفظ کند و اخلاگران و آنهایی که مترصدند، دستشان را کوتاه کند (انشاءالله) به‌دردهای شما به‌دردها و رنجهای شما که همه می‌دانید رسیدگی کند و اینها را به مرکز گزارش بدهد. و ما از دولت و از ملت ایران پیش از دولت بخواهم که همه نیروی خود را آنقدری که ممکن است، متوجه رفع دردها و محرومیت‌های این منطقه بگرداند. این اصول و کلمات نتایجی بود که تا این ساعت به‌آن رسیده‌ایم. و اکنون هم برادران ما آقای دکتر بهشتی و جناب آقای هاشمی و دیگران، آقای بنی‌صدر و وزیر کشور مشغول تتمیم و تکمیل همین برنامه‌ها هستند.

و من چون شنیدم که شما برادران و خواهران در زیر باران مدتهاست انتظار دارید که من خدمت شما برسم و سلام و وداعم را عرض بکنم ناچار آمدم و از برادرانم رخصت گرفتم که سلامی و وداعی

و خداحافظی از شما بکنم. (درود بر طالقانی، درود...)

این نکته را هم شما برادران عزیز، خواهران محترم من، فرزندان من، متوجه باشید که در سراسر کشور این شهر شما، که مرکز کردستان شما و کردستان ما، اولین شهری است که انجمن شهری خود را آغاز می‌کند و به‌همین زودی انجام می‌دهد. انجمنی که باید نمایانگر نماینده‌های واقعی شما باشد.

ما امیدواریم از شما رشد خود را، همت خود را، بینش خود را، ایمان خود را بکار ببرید، تا این انجمن با کمال آزادی و آراء آزادشکل بگیرد و صورت بیابد تا نمونه‌ای باشد برای سرتاسر منطقه کردستان، و بلکه برای همه کشور. که ما بتوانیم بوسیله رسانه‌ها و تبلیغات در سراسر کشور نشان بدهیم که مردمی که می‌خواهند و باید سرنوشت خود را به‌دست بگیرند، نمونه‌ای باشید برای آنها. امیدواریم که همه مشکلات بتدریج با صبر، با حوصله و با قدم ثابت حل بشود (انشاءالله).

امیدواریم که آنچه را که تا بحال این کردستان عزیز و مردم کرد ما محرومیت‌ها، ناراحتی‌ها، رنج‌ها، تحقیرهایی که دیده‌اند پس از این به‌سرعت و با همت خود و هوشیاری خودشان جبران بشود.

مسئله دیگر، چند روز دیگر رفرا ندیم در سراسر کشور آغاز خواهد شد. در همه راهپیمائی‌های چندین هزار نفر میلیونی تهران، و هزارها هزار افراد زن و مرد مسلمان متمهد ما، از جنوب تا شمال، از شرق تا غرب با راهپیمائی خود رای خود را داده‌اند. برای اینکه این مساله بصورت قانونی دنیا پسند - که ما هیچوقت هم نخواستیم دنیا ما را بپسندد مگر در این انقلاب ما دنیا میخواست، دنیای شرق و غرب، که ما چنین انقلابی کنیم - ولی برای اثبات به‌نق‌بزن‌ها، و آن کسانی که خدشه‌درکارها می‌کنند، این رفرا ندیم خواهد شروع شد (انشاءالله). چون ملت ایران و مردم ایران با همه اختلافات جزئی که دارند - و باید هم اختلافات جزئی باشد، ولی مناقشه و تضاد و خصومت نباید باشد - به‌جمهوریت هم رای می‌دهند، یعنی یک حکومتی و یک نظامی که همه مردم، مردم ایران، پاسدار آتند. به اسلامیت آن رای می‌دهند، برای اینکه قوانین و اصول اسلام مترقی‌ترین و متعال‌ترین و رها‌بخش‌ترین قوانین دنیاست. به عقیده ما و به تجربه تاریخ، همه جمهوریت‌ها و انواع مختلف و همه مکتب‌ها تجربه خود را نشان داده‌اند. کمبودهای خود را ارائه داده‌اند، مکتب‌های

شرق و غرب بر مبنای اقتصاد است و آزادی حاکم بر اقتصاد، ولی در نظام اسلام آزادی انسانهاست و آزادی حاکم بر اقتصاد است نه اقتصاد حاکم بر آزادی باشد. (صحیح است) ما اقتصاد را زیربنای زندگی انسانها نمیدانیم؛ بدلیل اینکه يك انسانی حاضر است گرسنه باشد، محروم باشد، ولی آزاد باشد. از این جهت در این رفرا ندیم، جمهوریت است یعنی آزادی، و اسلامی است برای اینکه معیارهای اصیل اسلام ما همه گونه آزادی را تأمین می‌کند، جز تجاوز، جز دشمنی، جز تعدی به حقوق خلق و خالق. چیزی نیست که کسی، يك انسان با وجدانی که دارای دید وسیع باشد، بتواند انکار کند. اگر هم خواست هرکسی رای ندهد، آزاد است. اما همانطوریکه امام خمینی فرمودند (صلوات) و من هم عرض می‌کنم، و من هم رای خودم را به جمهوریت اسلامی میدهم و دیگر همه آزادند (درود، درود...)

امیدواریم که در پرتو وحدت، همفکری، هم‌آهنگی و رهبری علمای آگاه و هشیار، و علمای مذهبی خودتان، و رهبری شخصیت‌هایی مانند برادرم آقای مفتی‌زاده (درود، درود...) بتوانند این هدف‌هایی که گفتیم: اولاً - انتخاب و تعیین انجمنی که نماینده افکار و آراء و نظریات شما و خواسته‌های شما باشد. ثانیاً - انشاءالله فرمائیم، سپس مجلس مؤسسان برای تنظیم قانون اساسی، سپس دولتی که خود مردم می‌خواهند انشاءالله با رشد و با هشیاری این مراحل را به پایان رسانند. بیش از این من مزاحم نمی‌شوم چون وقتان ضیق است و قسمتی از کارهایی که داریم مانده است. از همه شما برادران و خواهران تشکر می‌کنم. شما را در پناه قرآن، در پناه حق، در پناه خدا، در پناه رهبر - های آگاهتان می‌سپارم و از شما خداحافظی می‌کنم. والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته. (درود درود...)

نوروز ۵۸

پیام پدر طالقانی به مردم کردستان:
شورایی تشکیل بدهید که برای
سراسر مملکت باشد

برادران، خواهران

همه ملت ایران در این انقلاب بزرگ و تاریخی و سرفصل جدید